



**در حال حاضر ۶۰ درصد جمعیت اردن، فلسطینی هستند و ۴۰ درصد جمعیت شان اردنی. فلسطینی های ساکن اردن در یک وضعیت بغرنج به سر می برند. اینها هم از داخل و هم از خارج تحقیر می شوند. ما منتظریم شرایط به جایی برسد که اینها تکانی بخورند. در جنگ اخیری که اتفاق افتاد و فلسطینی ها نام آن را «سیف القدس» گذاشتند، ساکنان اردن تکانی خوردند و یک نفر هم شهید دادند و سمت مرز آمدند. مطمئن هستیم این نقطه روزی منفجر می شود، حالا این انفجار یا به شکل تغییر رژیم در اردن اتفاق می افتد و یک رژیم فلسطین محور جای رژیم ملک عبدالله را می گیرد یا اینکه به شکل فشار بر حکومت اردن و تغییر در سیاست اردن اتفاق می افتد. در آن سمت کرانه باختری یکی از این ۲ اتفاق حتما می افتد**



خود را تنظیم کرده بودند. یعنی استراتژی اسرائیل این بود که اگر می خواهید اسرائیل آرام باشد دیگران باید نا آرام باشند. این استراتژی باید معکوس می شد و به خودش برمی گشت. اگر می خواهیم اینها سر جای خود بنشینند و به تعبیر دیگر اگر می خواهیم اینها را از نفس بیندازیم، باید مشغول و درگیر باشند، لذا اینجا ۲ تا ۳ استراتژی اتخاذ شد. یک استراتژی این بود که غزه باید کاملا تجهیز شود. این تجهیز باید در حدی باشد که نه تنها از خودش و از فلسطین دفاع کند، بلکه باید بتواند موجودیت و حیات اسرائیل را تهدید کند. با این استراتژی سازماندهی در غزه، نیروگیری، آموزش، تجهیز و تعلیم و مرتب سازی و حل مسائل و مشکلات اینها در دستور کار قرار گرفت.

این نکته را باید در نظر گرفت که جمعیت در غزه از نظر فکری منسجم تر بود. مردم منطقه غزه بشدت متدین و پای کار بودند و ضمنا غزه نقطه ای بود که می شد هم از سمت دریا آن را تجهیز کرد البته با سختی، هم از راه زمینی می شد به آنان کمک کرد به این دلیل که پشت غزه صحرای سینا بود و صحرای سینا در کنترل ارتش مصر نبود. بعد از جنگ ۱۹۷۱ بین مصر و اسرائیل معاهده ای امضا شده بود که یک رژیم امنیتی خاص است. در این رژیم مصری ها نمی توانستند در صحرای سینا ارتش داشته باشند و فقط باید نیروی انتظامی می داشتند. نیروی انتظامی در یک دشت بسیار وسیعی به نام «صحرای سینا» که خود لاقط ۴ برابر فلسطین مساحت دارد، این امکان را به فلسطینی ها می داد که بتوانند از این موقعیت استفاده کنند و استفاده می کردند و هنوز هم استفاده می کنند. هنوز هم مصری ها کنترل درستی روی صحرای سینا ندارند، اسرائیلی هم کنترل درستی ندارند به طوری که اخیرا در اسرائیل این بحث مطرح شد که بیاییم خلاف کمپ دیوید به کشور مصر بگوییم شما می توانید ارتش در این ناحیه داشته باشید، یعنی آن قرارداد را اصلاح کنیم، مصر ارتش بفرستد و در قبال این مسائل مسؤول شود که البته مصری ها هم زیر بار نمی روند به دلیل اینکه چنین چیزی برای آنها هزینه بسیاری دارد و هیچ فایده ای هم ندارد؛ مصر فقط هزینه می کند و فایده آن برای اسرائیلی هاست. ضمن اینکه برای مصری ها تحقیر آمیز هم هست، بالاخره در ارتش مصر هم کسانی پیدا می شوند که هنوز عقده شکست های تاریخی خود از ارتش اسرائیل را در ذهن داشته باشند و اگر دست شان برسد شمشیری در شکم اسرائیلی ها می کنند. اگر دولت السیسی این پیشنهاد را بپذیرد و بخواهد اجرا کند باید برای هر نیروی نظامی مصری هم یک مراقب بگذارد که نشدنی است، یعنی یک خواسته ای است که اسرائیلی ها هیچ وقت به آن نخواهند رسید. به هر حال این بحث غزه بود. اما درباره کرانه باختری، استراتژی جبهه مقاومت این بود که این ناحیه نیز باید مسلح شود. منتها اینجا برخلاف منطقه غزه کار با موانعی مواجه بود و هست. مانع اول این است که شما از کجا می خواهید به اینجا دسترسی داشته باشید، یک طرف اردن است که رژیم اردن دست کمی از رژیم اسرائیل ندارد، باقی هم اسرائیلی ها هستند. منطقه کرانه باختری و غزه حدود ۲۲ درصد خاک فلسطین هستند.



می رود. کما اینکه علامت هایی از این مساله وجود دارد که سرویس اطلاعاتی اسرائیل بسیار حساس است و دارد آن را پیگیری می کند ولی این چیزی است که در شرایطی که اوضاع خیلی شلوغ شود خیلی هم نمی شود کنترل کرد. یعنی کافی است کمی اوضاع بهم بخورد؛ اینها مسائلی است که در این صحنه باید در نظر گرفت.

ما در آنجا چندین نقطه اتکا داریم، یک نقطه اتکا این است که منتظریم از سمت ۴/۵ میلیون فلسطینی ساکن اردن تحرکی صورت گیرد.

**مردم ما کمتر از اردن و سیستم حاکم بر آن و ترکیب جمعیتی و بافت اجتماعی و مذهبی آن شنیده اند؛ کمی درباره اردن و اهمیتی که در مساله آزادسازی فلسطین از چنگال صهیونیست ها دارد، بفرمایید.**

در حال حاضر ۶۰ درصد جمعیت اردن، فلسطینی هستند و ۴۰ درصد جمعیت شان اردنی. فلسطینی های ساکن اردن در یک وضعیت بغرنج به سر می برند. اینها هم از داخل و هم از خارج تحقیر می شوند. ما منتظریم شرایط به جایی برسد که اینها تکانی بخورند. در جنگ اخیری که اتفاق افتاد و فلسطینی ها نام آن را «سیف القدس» گذاشتند، ساکنان اردن تکانی خوردند و یک نفر هم شهید دادند و سمت مرز آمدند. مطمئن هستیم این نقطه روزی منفجر می شود، حالا این انفجار یا به شکل تغییر رژیم در اردن اتفاق می افتد و یک رژیم فلسطین محور جای رژیم ملک عبدالله را می گیرد یا اینکه به شکل فشار بر حکومت اردن و تغییر در سیاست اردن اتفاق می افتد. در آن سمت کرانه باختری یکی از این ۲ اتفاق حتما می افتد.

نقطه اتکای دیگر ما این است که به رغم اینکه درباره حاکمیت اسرائیل بر آن ۷۸ درصد سرزمین های ۱۹۴۸ هم اما و اگرهایی وجود دارد ولیکن درباره منطقه ۱۹۶۷ خیلی بحث ها روشن است، یعنی هیچ کسی در دنیا از حاکمیت اسرائیل بر ۱۹۶۷ حمایت نمی کند. این موضوع هیچ مشروعیتی ندارد و در داخل خود اسرائیل هم این یک موضوع مورد اختلاف است، بنابراین اینجا هر کاری صورت گیرد مشروعیت دارد و می توان با این عنصر مشروعیت، با روس ها، چینی ها و اروپایی ها صحبت کرد. این کار زمینه دارد. در مجموع آینده فلسطین آینده روشنی است چرا که با ظرفیتی که امروز جمهوری اسلامی برای مقاومت فلسطین ایجاد کرده است فشار به رژیم منحوس صهیونیستی از گذشته بیشتر شده است. باید منتظر ماند و دید که اسرائیل از جایی که فکرش را نمی کند ضربات مهلکی خواهد خورد، به شرط نصرت الهی.

